

بررسی نقش‌های جنسیتی در کتاب *صدی الحیاة* بر اساس مدل پورکا

اسحق رحمانی^۱، دانش محمدی رکعتی^۲، مریم جهرمیان^۳
(دریافت: ۹۹/۶/۱۷ - پذیرش: ۹۹/۹/۱۷، نوع مقاله: پژوهشی)

چکیده

موضوع جنسیت یکی از مهم‌ترین مسائل فرهنگی است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در آموزش نقش دارد. از آنجا که کتاب‌های درسی یکی از ابزارهای مهم آموزشی‌اند، در پی‌ریزی فرهنگی نقش به‌سزایی دارند. هدف پژوهش حاضر، به چالش کشیدن نقش‌های جنسیتی در *صدی الحیاة* اثر مسعود فکری و همکارانش (۱۳۸۷)، بر اساس سه مقوله «بازنمایی» و «مشاغل» و «فعالیت‌های مردانه و زنانه» است. کتاب‌های بررسی شده در این پژوهش، شامل ۴ جلد از کتاب *صدی الحیاة* مرحله پیشرفته است. این تحلیل با رویکردی ضابطه‌مند و با استفاده از معیارهای تعیین شده پورکا (۱۹۸۴) انجام گردید. نیز به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و تحلیل کمی - کیفی استفاده شد؛ یافته‌های آن، دلالت بر نابرابری و تبعیض جنسیتی به نفع مردان دارد.

کلیدواژه‌ها

بازنمایی جنسیت، آموزش زبان عربی، *صدی الحیاة*، پورکا.

۱. دانشیار، دانشگاه شیراز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه زبان و ادبیات عربی، شیراز، ایران (esrahmani@yahoo.com) (نویسنده مسئول).

۲. استادیار، دانشگاه شیراز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه زبان و ادبیات عربی، شیراز، ایران.

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شیراز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شیراز، ایران.

An Analysis of Gender Roles in *Sadi Al-Hayati: Advanced Level Textbook Series* based on Porreca Model

Eshaq Rahmani¹, Danesh Mohammadi Roqati², Maryam Jahromian³

Abstract

Analyzing the contents of textbooks based on gender components is a very important topic for researchers. The purpose of the current study is to analyze the contents of *Sadi Al-Hayati: Advanced Level* textbook series by using quantitative and qualitative analysis methods. The statistical samples of this research are all of the main texts in the Reading⁴ book, which includes occupational/social roles and familial roles, and the pictures in the book. The samples were studied in terms of gender representation. The results show that the presence of the male gender is more frequent than that of the female gender. To put it more clearly, about 80% of the pictures in all the four books are of the male sex, and only about 20% are of the female sex. We witness the introduction of famous people in all the books, all of whom, whether in the field of science, literature, art, politics, etc., are men. The occupational roles reproduced in the texts or pictures are also of a wide range when they are attributed to men, while the female gender is either represented in a limited way, or is absent altogether. Also, for the indicator of family roles, there is special attention paid to the role of women as mothers, while men are not shown to be inside of a house in any of the texts or the pictures. With all the evidence, the gender biases present in all four volumes of these series cannot be ignored, and it can be said that it is evident that women are being neglected or ignored in terms of all the three criteria of this research, and the texts and pictures of these books have been produced based on traditional and patriarchal prejudices and stereotypes which are based on gender discrimination, and consequently they need to be reviewed and revised.

Keywords

Gender, Representation, teaching the Arabic Language, *Sadi Al-Hayati*, porreca

1. Associate Professor, Shiraz University, Faculty of Literature and Humanities, Arabic Language and Literature Department, Shiraz, Iran
2. Assistant Professor, Shiraz University, Faculty of Literature and Humanities, Arabic Language and Literature Department, Shiraz, Iran
3. PhD Candidate in Arabic Language and Literature, Shiraz University, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz, Iran
4. Lilqara'a

مقدمه

یکی از انواع گفتمان‌ها، گفتمان زبانی است؛ چرا که برقراری ارتباط انسان‌ها با یکدیگر از طریق زبان صورت می‌گیرد، ولی همه مردم دنیا به یک زبان سخن نمی‌گویند. به دلیل نیاز به ارتباط کلامی با زبان‌هایی غیر از زبان مادری یا زبان رسمی در یک کشور، برای بیان احساسات، نیازهای روحی و مادی، ارتباط و تبادل فرهنگی، ضرورت یادگیری، فراگیری و آموزش زبان‌های مختلف آشکار می‌شود (کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۶۰). زبان رسمی در ایران فارسی است و هر کس می‌تواند زبانی غیر از زبان مادری خود، یعنی زبان دوم را فراگیرد. فراگیری زبان عربی، یکی از زبان‌های زنده دنیا، علاقه‌مندان زیادی را به خود جذب کرده است، به طوری که علاوه بر تدریس آن در مدارس، در دانشگاه‌ها نیز یکی از رشته‌های تحصیلی آموزش عالی را به خود اختصاص داده است. همچنین، مؤسسات آموزش زبان، از جمله کانون زبان ایران، به عنوان یک مرکز رسمی آموزش زبان عربی در ایران فعالیت می‌کنند. نظام آموزش در ایران چه در مدارس و دانشگاه‌ها و چه در مراکز آموزش زبان، کتاب‌محور است و هر کتاب شامل: تصاویر، مضامین و متونی است که علاوه بر انتقال دانش، در بطن خود مفاهیم فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و معیار و ارزش‌گذاری برای هر جنس را نشان می‌دهد. بدون شک کتاب‌های آموزش یکی از منابع اساسی و مهم در فرایند یادگیری زبان به شمار می‌روند. با وجود توسعه فناوری‌های جدید در تمامی زمینه‌ها، همچنان نیاز به کتاب‌ها به عنوان منبع آموزشی از سوی معلمان احساس می‌شود (Ait Bouzid, 2019: 210). بنابراین، کیفیت کتاب درسی اهمیت ویژه‌ای دارد که با بررسی و تعیین کردن کاستی‌های آن و نیز اصلاح و بازنگری آن می‌توان به آن دست یافت. در این میان، مؤلفان کتب آموزشی باید به مسئله بازنمایی جنسیت در محتوای آموزشی توجه داشته باشند.

جنسیت از طریق محتوای موجود در کتاب‌های آموزشی، الزامات و الگوهای خود را ارائه و بیان می‌دارد. بنابراین کتاب‌های آموزشی با نمایندگی و بازتولید الگوهای هنجاری حاکم بر زندگی اجتماعی در قالب ارائه علم و دانش، به شکل پنهان یا آشکار، نقش سازنده و بازتولیدکننده این هنجارها را در زندگی اجتماعی امروزی عهده‌دار است. مؤلفان کتاب‌ها با ارائه تصویری خاص از مناسبات میان دو جنس، در نهادینه کردن چارچوب معنایی آن تصویر خاص نقش مهمی دارند. بنابراین کتاب‌های آموزشی به صورت ابزاری سیاسی درمی‌آیند تا در دست یک گروه، قشر یا صاحبان اندیشه باشند و هر نوع اندیشه‌ای را القا کنند و این افکار را به شکل کاملاً رسمی و مقبول آموزش دهند.

از آنجا که مخاطبان کتاب‌های آموزشی زبان دوم، اغلب جوانان و نوجوانانی‌اند که به آن کتاب‌ها اعتماد دارند و طی دوره آموزش با آن‌ها در ارتباط هستند، آن‌ها را می‌خوانند و فرا می‌گیرند، پس باید بر برابری بین دو جنس تأکید داشت و واقعیت‌ها بازتولید و آموزش داده شوند؛ زیرا اگر مفاهیم موجود در کتاب‌ها، بیان‌کننده نقش‌های جنسیتی نابرابر باشند، بر افکار فراگیران تأثیر گذاشته، به شکل ارزش، رفتار، دانش و مهارت از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابند یا ممکن است عامل دگرگونی جامعه شوند. پس، چگونگی ارائه تصاویر و بازتولید نقش‌ها و به طور کلی محتوای کتاب‌ها بااهمیت است؛ زیرا اگر تصویری واقعی از حقیقت یک جامعه در کتاب‌ها بازنمایی نشود، به بازتولید کلیشه‌های جنسیتی می‌انجامد که براساس اظهار نظر میشل (۱۹۸۹)، وجود کلیشه‌های جنسیتی در کتاب‌ها و برخوردهای تبعیض‌آمیز جنسیتی که در قالب تصاویر، واژگان، بازنمایی نقش‌های خانوادگی و شغلی آموزش داده می‌شوند، به شکل الگوهای مقبول درمی‌آیند (علی صوفی و همکاران، بی تا: ۴۱۵).

هدف پژوهش

پژوهش حاضر سعی دارد به بازنمایی جنسیتی نقش‌های شغلی و خانوادگی و همچنین بررسی تصاویر زن و مرد در مجموعه کتاب‌های *صدی الحیاة*، مرحله پیشرفته براساس مدل پورکا (Porreca, 1984) پردازد.

سؤال‌های پژوهش

با توجه به هدف پژوهش حاضر که به بازنمایی جنسیتی نقش‌های شغلی و خانوادگی و همچنین بررسی تصاویر در مجموعه کتاب‌های *صدی الحیاة* می‌پردازد، پرسش‌های زیر مطرح می‌شود:

۱. نمود جنسیت در شغل‌ها و نقش‌های اجتماعی نسبت داده شده به مردان و زنان چگونه است؟
۲. نمود جنسیت در تصاویر کتاب‌های *صدی الحیاة* چگونه است؟

پیشینه پژوهش

موضوع بازنمایی جنسیت در کتاب‌های آموزشی از موضوعات مهم و به روز و مورد توجه بسیاری از پژوهشگران سراسر دنیاست که معرفی می‌شوند:

- آیت بوزید (Ait Bouzid, 2019) کتاب‌های درسی دوره دبیرستان مراکش را از نظر بازنمایی جنسیت بررسی کرد و با روش تحلیل محتوا از نظر کمی و کیفی دریافت که در این کتاب‌ها بازنمایی جنسیتی، با نگاهی مغرضانه به دفعات دیده شده است؛ مردان در درجه بالاتری در زمینه بر عهده گرفتن مشاغل در متن‌ها، تمرین‌ها و تصاویر بازنمایی شده‌اند.

- دویان ساپوترا (Saputra, 2019) در پژوهش خود، بازنمایی جنسیتی در کتاب‌های انگلیسی سوم‌تری جنوبی را بررسی کرده و با روش تحلیل محتوا و براساس نظریه‌های پروژیل و کرومر^۱ به تجزیه محتوای این کتاب‌ها پرداخته است؛ طبق نتایج آن، نمایش مردان در تصاویر از بسامد بالاتری برخوردار است.

- احمد (Ahmad, 2019) در پژوهشی، نمایندگی جنسیت در کتاب‌های انگلیسی مدارس دولتی پاکستان را مطالعه و براساس الگوی سه بعدی فرکلاف و به روش تحلیل گفتمان، محتوای آن را بررسی کرده است؛ نتایج آن نشان داد که حضور مردان در کتاب دارای بسامد بالاتری است.

- اینسی کابی و اولوسی (Incikabi & Ulusoy, 2019) با روش تحلیل محتوا، تعصبات جنسیتی در کتاب‌های درسی ریاضیات استرالیا، سنگاپور و ترکیه را بررسی کرد؛ نتیجه پژوهش نشان داد که هیچ‌گونه تعصب جنسیتی در کتب درسی استرالیا وجود نداشته است، ولی در کتاب ریاضی سنگاپور اختلاف بیشتری بین بازنمایی جنس مذکر و مؤنث نسبت به کتاب‌های ریاضی دو کشور ترکیه و استرالیا دیده می‌شود. از نظر نقش‌های اجتماعی مردان دارای درصد بالاتری بودند، اما در زنان نقش‌های خانوادگی پیش‌تاز بودند.

- مهران (۱۳۹۴) به بررسی نقش‌های کلیشه‌های جنسیتی کتاب‌های ادبیات فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان پرداخته و با روش تحلیل محتوای کمی و کیفی تبعیض‌های جنسیتی این دو کتاب مورد استفاده در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ را بررسی کرده است؛ طبق نتایج آن، زنان موجوداتی خانگی و مردان بیرونی و فعال در کتاب‌ها معرفی شده‌اند.

- محمدتقی نژاد و همکارانش (۱۳۹۴) در پژوهشی به تحلیل محتوای مقایسه‌ای تصاویر در کتاب‌های درسی ایران و سوریه با تأکید بر نابرابری نقش‌های جنسیتی پرداخته‌اند؛ نتایج این پژوهش حاکی است که حدود ۶۰ درصد تصاویر مربوط به جنس مذکر و ۴۰ درصد آن مربوط به جنس مؤنث است، و بازنمایی جنس مؤنث بیشتر در قالب تصاویر کودکان نمود یافته بود.

- مرزوقی (۱۳۹۵) با روش تحلیل محتوای کیفی، کتاب‌های درسی دوره ابتدایی را از منظر جهت‌گیری جنسیتی بررسی کرده، نتایج آن نشان می‌دهد زنان معمولاً در نقش افرادی احساسی و زبردست و مردان با ویژگی شخصیتی خردمحور و دستوردهنده ظاهر شده‌اند؛ نیز مردان در مشاغل بیرون از منزل و زنان در قالب مشاغل خانه‌داری یا حداکثر آموزگاری و پرستاری ایفای نقش کرده‌اند.

با توجه به مباحث نظری پژوهش و نیز پژوهش‌ها و تحقیقاتی که معرفی شدند، درمی‌یابیم که موضوع بازنمایی جنسیتی و تشدید کلیشه‌های جنسیتی یا به حاشیه راندن یک جنس، موضوعی جهانی است و در هر کشور با هر نوع فرهنگ، اقتصاد یا سیاستی ممکن است وجود داشته باشد.

مبانی نظری پژوهش

چارچوب نظری پژوهش حاضر، معیارهای ارائه‌شده پورکا (Porreca, 1984) است. وی به این حقیقت اشاره می‌کند که مؤلفان و نویسندگان کتاب‌های آموزشی قادرند نگرش‌های جنسیتی خود را با استفاده از شیوه‌های خاص القا کنند (Porreca, 1984: 705). این شیوه‌ها عبارت‌اند از: بازنمایی، فعالیت‌ها، مشاغل مردانه و زنانه.

بازنمایی. بازنمایی، رایج‌ترین شیوه بیان زبان جنسیتی در کتاب‌های آموزش زبان است. یعنی زمانی که شخصیت زن در کتاب‌های آموزشی منعکس نشود، در واقع به زن اهمیت داده نشده است.

مشاغل زنانه و مردانه. تقسیم کار زنانه و مردانه یکی از مهم‌ترین نشانه‌هایی است که نابرابری جنسیتی را در جامعه منعکس می‌کند. همان‌طور که زنان دوشادوش مردان در جامعه فعالیت می‌کنند، باید این واقعیت در کتاب‌های درسی نیز لحاظ شود.

فعالیت‌ها. امروزه دیگر، هیچ فعالیتی کلیشه‌ای محسوب نمی‌شود و زنان کارها و فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند که زمانی مختص مردان بود و برعکس. لذا کتاب‌های آموزش زبان باید زنان و مردان را به صورت برابر و متوازن در حال انجام فعالیت‌هایی نمایش دهند (عبادی و ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۳۴).

مفهوم جنس و جنسیت. حبیبی و فاطمی (۱۳۹۴: ۱۲۰۰) اشاره می‌کنند که جنس با جنبه‌های زیستی و روانی فرد، که به آن‌ها اعضای جنسی و ویژگی‌های جنسی می‌گویند، مرتبط است؛ ولی جنسیت براساس الگوهای تفکر، احساس، رفتار و فرهنگ شکل می‌گیرد

و گسترش می‌یابد. واژه جنسیت نسبت به واژه جنس گسترده‌تر و مفهومی کلی‌تر است که ویژگی‌های روان‌شناختی و اجتماعی گروه‌های ایجادشده در جامعه و فرهنگ انسانی اشاره دارد. بنابراین، جنسیت ویژگی اجتماعی از مردانگی و زنانگی است که هویت اجتماعی زن و مرد را تشکیل می‌دهد؛ نیز نظامی از ارزش‌ها، هویت‌ها و فعالیت‌هایی ایجاد می‌کند که از نظر اجتماعی برای زنان و مردان معین شده است. برخلاف جنس که ویژگی فردی را شرح می‌دهد، جنسیت به معنایی اشاره دارد که براساس موازین اجتماعی تولید شده است و بدون این که ویژگی ذاتی محسوب شود، بر آن تحمیل می‌شود (فرقانی و ستاره، ۱۳۹۴: ۳۳).

پس به طور کلی، جنس همان ویژگی زیست‌شناختی هر انسانی است که از بدو تولد همراه اوست و جنسیت نوعی برچسب اجتماعی قلمداد می‌شود که دارای مجموعه‌ای از انتظارات، بایدها و نبایدهایی است که از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است؛ این انتظارات گاهی به سود یک جنس و موجب به حاشیه راندن یا کمرنگ نشان داده‌شدن جنس دیگر می‌گردد.

جامعه‌پذیری جنسیت: آشکارترین شیوه‌ای که از طریق آن، فرهنگ جامعه در ایجاد تفاوت‌های رفتاری مردان و زنان نقش ایفا می‌کند، جامعه‌پذیری است؛ فرایندی که انسان‌ها از طریق آن شیوه‌های زندگی جامعه‌شان را می‌آموزند و شخصیت ویژه‌ای را کسب می‌کنند، به گونه‌ای که به عنوان یک عضو آمادگی عملکرد و رفتار در جامعه را پیدا می‌کنند (علمی و الیاسی، ۱۳۸۸: ۶۴).

آموزش رسمی یکی از عوامل جامعه‌پذیری افراد است و از آنجا که افراد از هفت سالگی به این نهاد وارد می‌شوند، این نهاد به شدت بر نگرش، ارزش‌ها و هنجارهای افراد تأثیر می‌گذارد و این از طریق ابزارهای گوناگون، همچون مفاهیم و تصاویر کتاب‌های درسی، گروه‌های همکلاسی و کادر آموزشی صورت می‌گیرد. بخش مهمی از فعالیت‌های دانش‌آموزان، کتاب‌محور است و ارزیابی آن‌ها نیز بر این اساس انجام می‌شود. بنابراین کتاب‌ها نقش بسزایی بیش از صرف انتقال مفاهیم به دانش‌آموزان دارند و می‌توانند آنان را با نقش‌های جنسیتی‌شان آشنا کند تا به اعضای فعال در جامعه بزرگ‌تر تبدیل شوند. در این فرایند اجتماعی شدن، که در آن سوژه‌های جنسیتی ساخته می‌شود، مدارس و کتاب‌های درسی یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال ارزش‌های فرهنگی اند که گفتمان اصلی کشور را به فرد منتقل می‌کنند (محمدتقی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹).

کتاب‌های آموزشی و بازنمایی جنسیت

محتوای کتاب‌ها علاوه بر انتقال دانش، در بر دارنده بسیاری از مفاهیم، از جمله مفاهیم جنسیتی هستند. مفاهیم جنسیتی به گونه‌ای بازنمایی می‌شوند که هدف آن براساس آنچه فرقانی و همکارانش (۱۳۹۴: ۳۰) اشاره می‌کنند، در معنای اول یعنی توصیف و شناساندن آن و به ذهن متبادر کردنش به وسیله توصیف و تخیل و نشان دادن آن، و در معنای دوم نماد چیزی بودن، نشانه چیزی بودن، و نمونه یا بدل چیزی بودن است. بازنمایی تنها از طریق متون نوشته شده، مفاهیم جنسیتی را منتقل نمی‌کند، بلکه همان‌طور که سلطانی گردفرامری و همکارانش (بی تا: ۸۰) اشاره می‌کنند، تصاویر به کار رفته در کتاب‌ها نیز چارچوب و محدوده جنسیت را بازنمایی می‌کنند که اگر به طور منظم و مداوم بر محور جنس مذکر بگردد، از یک جامعه مردسالار پشتیبانی می‌کند و چنین به نظر می‌سد که مردان در رأس قدرت و در مرکز هرم قرار دارند و جنس مؤنث در قاعده این هرم است. بنابراین، تصاویر به منزله ابزاری جامع، نوعی بازنمایی از واقعیت را نشان می‌دهند و کتاب‌های آموزشی، یکی از ابزارهای دستکاری شده برای روابط قدرتمند هستند تا به وسیله آن بتوان نظرات و دیدگاه‌های فراگیران را شکل داد. موضوع جنسیت یکی از مباحث فرهنگی - اجتماعی است که به وسیله کتاب‌ها شکل می‌گیرند (Ahour, 2016: 7).

کتاب‌های معتبر هم هنوز دچار تبعیض‌های جنسیتی‌اند و کامل و بی نقص نیستند، زیرا از بسیاری از معیارهای آموزشی مناسب و عادلانه محروم‌اند و حتی ممکن است در معرض تعصب غیر مستقیم نویسندگان قرار گرفته، موجب شوند تا فراگیران به درک درستی از دنیای اطرافشان دست نیابند (Ait Bouzid, 2019: 210). این نواقص موجود در کتاب‌ها را می‌توان با ارزیابی محتوا شناسایی و برطرف کرد؛ در نتیجه کیفیت کتاب آموزشی بهبود می‌یابد و بازده مثبت آموزشی حاصل می‌شود.

روش پژوهش

روش استفاده شده در این پژوهش، از نوع ضابطه‌مند و به استناد معیارهای تعیین شده پورکا (Porreca, 1984) است. این معیارها شامل: بازنمایی، مشاغل، فعالیت‌های مردانه و زنانه‌اند. برای غنی‌سازی یافته‌ها، از هر دو رویکرد کمی و کیفی و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استدلالی استفاده شده است.

جامعه آماری و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش شامل ۴ جلد کتاب (الطالب) تحت عنوان *صدی الحیاة* مرحله پیشرفته است. این کتاب‌ها از سری کتاب‌های آموزش زبان عربی به غیر عربی زبانان است که به سرپرستی مسعود فکری و جمعی از نویسندگان، در سال ۱۳۸۶ هـ ش منتشر شد؛ اثری که علاوه بر منبع آموزش زبان عربی در مؤسسات آموزشی می‌تواند در دانشگاه‌ها مورد استفاده دانشجویان رشته‌های زبان عربی و الهیات باشد.

ارائه و واگوی داده‌ها

تحلیل تصاویر، بررسی شغل‌ها و نقش‌های خانوادگی و اجتماعی در هر ۴ کتاب به دو روش: (۱) تحلیل کمی برای تحلیل فراوانی و داده‌های صریح و مستقیم و (۲) تحلیل کیفی برای تحلیل داده‌ها و مضامین ضمنی انجام شد.

۱. یافته‌های تحلیل کمی

• نمود جنسیت در تصاویر: نکته مهم در پژوهش حاضر، نحوه بازنمایی و توزیع تصاویر افراد در این کتاب‌ها براساس جنس مذکر و مؤنث بود. در هر ۴ کتاب، تصاویر با توجه به جنس افراد بررسی شدند: در کتاب مرحله پیشرفته ۱ مشخص شد که از بین ۳۸ واحد تحلیل بررسی شده تصاویر جنس مذکر با ۲۶ واحد تحلیل (۶۸/۴۲ درصد) نسبت به جنس مؤنث با ۱۲ واحد تحلیل (۳۱/۵۷ درصد) از بسامد بالاتری برخوردار بود. در کتاب مرحله پیشرفته ۲ نیز تصاویر بررسی و شمارش شدند و مشخص شد که از بین ۴۳ واحد تحلیل بررسی شده، ۳۷ واحد تحلیل (۸۶/۴ درصد) به جنس مذکر و ۶ واحد تحلیل (۱۳/۹۷ درصد) به جنس مؤنث اختصاص داشت. در کتاب مرحله پیشرفته ۳ نیز از بین ۴۹ واحد تحلیل مورد پژوهش مشخص شد که ۳۴ واحد تحلیل (۶۹/۳۸ درصد) به جنس مذکر و ۱۵ واحد تحلیل (۳۰/۶۱ درصد) به جنس مؤنث تعلق داشت. و در کتاب *صدی الحیاة* (مرحله پیشرفته ۴) از نظر نحوه بازنمایی تصاویر، با توجه به جنس مؤنث و مذکر، جنس مذکر دارای فراوانی ۲۲ واحد (۹۵/۶۵ درصد) و جنس مؤنث تنها دارای ۱ فراوانی (۴/۳۴ درصد) بودند. نکته مهم این‌که، تصاویر مربوط به جنس مذکر در هر چهار کتاب به وضوح بیشتر از تصاویر مربوط به جنس مؤنث است؛ به طور کلی، میانگین حضور جنس مذکر حدود ۸۰ درصد و جنس مؤنث حدود ۲۰ درصد از تصاویر را به خود اختصاص داده‌اند.

● نقش‌های شغلی و اجتماعی: در مورد انتخاب مشاغل نیز تأکید بر مرزبندی‌های جنسیتی بیشتر است؛ یعنی مشاغل به کار رفته در متن این ۴ کتاب برای جنس مؤنث سیر نزولی داشته است؛ به عبارت دیگر در کتاب سوم و چهارم از این مجموعه، هیچ نوع کلمه‌ای که دال بر شغل و نقش اجتماعی برای جنس مؤنث باشد دیده نمی‌شود. در واقع، بسیاری از متن‌های موجود در هر ۴ کتاب بر اسامی خنثی تأکید دارند، و نیز به گونه‌ای اند که خواننده چه مؤنث و چه مذکر، می‌تواند با آن هم‌زادپنداری کند. اسامی خاصی همچون: انسان، الشخص، المرأة، الرجل، الطفل و البشر در اکثر متن‌ها به کار رفته‌اند، یعنی در این ۴ کتاب، به جنس خاصی توجه نشده است. برای نمونه در کتاب *صدی الحیاة*، مرحله پیشرفته ۳، درس سوم در متن «الشباب و مشاکلهم» این‌گونه نوشته شده است: «إن الشاب هم أساس القوى العاملة من أجل التنمية و التطور و التغير نحو الأفضل فی المجتمع» که بر جنسیتی خاص تأکید ندارد؛ یعنی جوان صرف نظر از جنسیتش می‌تواند موجبات پیشرفت و تغییر را در جامعه‌اش فراهم کند.

برخی از مشاغل مانند مهندس، معلم، و نقاش اسامی بودند که هیچ اشاره‌ای به مذکر یا مؤنث بودنشان در هر ۴ کتاب نشده بود؛ اما به طور دقیق‌تر از نظر کمی کلماتی که در آن‌ها بر جنسیتشان تأکید شده باشد نیز وجود داشت. مثلاً در کتاب اول از این مرحله، ۵۹ مورد یافت شد که بر مشاغل مربوط به جنس مذکر تأکید داشتند و تنها ۵ مورد از کلماتش معرف مشاغل مربوط به جنس مؤنث بود. از این تعداد (۹۲ درصد) مقابل ۸ درصد در همین کتاب شاهد بازنمایی جنس مؤنث در نقش‌های خانوادگی هستیم که نسبت به جنس مذکر از بسامد بالاتری برخوردار است؛ یعنی (۸۱ درصد) (۱۳ مورد) در مقابل ۱۹ درصد (۳ مورد). در کتاب دوم از این مجموعه (*صدی الحیاة*، پیشرفته ۴) مرحله نیز بر نقش‌های شغلی معرفی شده در متن برای جنس مذکر تأکید بیشتری شده است؛ زیرا ۲۲ مورد از مشاغل به کار رفته در متن‌های این کتاب برای مردان و تنها ۱ مورد از آن‌ها برای زنان معرفی شده بود، یعنی ۹۶ درصد برای مردان در مقابل ۴ درصد برای زنان. در همین کتاب، در بخش بازنمایی هر دو جنس برای نقش‌های خانوادگی نیز بر جنس مذکر تأکید شده بود؛ یعنی ۸۵ درصد (۱۱ مورد) در مقابل ۱۵ درصد (۲ مورد).

کتاب سوم نیز با توجه به این که در اکثر متن‌ها شاهد اسامی خنثی بودیم، تنها به ۹ درصد اشاره شده بود که بر جنس تأکید داشت و هر ۹ مورد مشاغل مردانه را بازتولید می‌کرد؛ یعنی در این مرحله ۱۰۰ درصد مشاغل به کار رفته در متن به جنس مذکر

اختصاص داشت. این در حالی بود که ۳۰ بار بر نقش مادری و همسری جنس مؤنث تأکید شده بود، اما در ۱۲ مورد از متن‌های بررسی‌شده نقش‌های خانوادگی جنس مذکر را بازنمایی می‌کرد. در بخش بازنمایی نقش‌های خانوادگی در کتاب سوم، جنس مؤنث ۷۱ درصد و جنس مذکر ۲۹ درصد را به خود اختصاص داده بودند.

در کتاب چهارم نیز ۲۵ مورد اشاره به نقش‌های شغلی و اجتماعی در متن مشاهده شد که هیچ‌یک به جنس مؤنث اشاره نداشت و هر ۲۵ مورد (۱۰۰ درصد) نقش‌ها در حال بازتولید نقش‌های شغلی و اجتماعی جنس مذکر بود. در این کتاب بر نقش‌های خانوادگی هیچ‌یک از دو جنس چندان تأکیدی نشده بود و تنها در یک مورد شاهد بازنمایی نقش مادر بودیم.

پس از مقایسه کمی هر چهار کتاب در شاخص‌های مورد بررسی، اعم از تصاویر، نقش‌های شغلی و خانوادگی، مشخص شد که در شاخص تصاویر، در کتاب چهارم، ارائه تصاویر مردان اهمیت بیشتری داشته و پس از آن در جلد دوم، این بازنمایی بیشتر از جلد سوم و جلد اول است. از نظر مقایسه بازنمایی جنس مؤنث در هر چهار کتاب نیز مشخص شد که، در جلد اول، سوم، دوم و چهارم به ترتیب از بسامد بالاتری نسبت به یکدیگر برخوردار بودند.

در بخش مقایسه هر چهار کتاب در مؤلفه نقش‌های شغلی نیز کتاب چهارم، سوم، دوم و اول، به ترتیب، مشاغل مردانه بازنمایی شده است و در قسمت بازتولید نقش‌های خانوادگی نیز کتاب اول، سوم، دوم و چهارم، به ترتیب، از بیشترین به کمترین بسامد را از نظر بازنمایی نقش خانوادگی به جنس مؤنث را داشته است.

۲. یافته‌های تحلیل کیفی

هر چهار جلد کتاب از این مجموعه شامل ۸ درس است که هر یک بخش‌های متفاوتی دارد؛ اما آنچه مورد نظر این پژوهش است، متن‌های اصلی درس‌ها در هر کتاب (للقراءة) و تمام تصاویری اند که از نظر کیفی بررسی شدند. بیشتر افراد نمایش داده‌شده در هر چهار کتاب، بدون در نظر گرفتن جنسیتشان، جوان و نوجوان بودند، ولی نحوه بازنمایی زنان و مردان در هر چهار کتاب، از نظر کیفی با یکدیگر فرق داشتند. زنان عموماً در حال خرید، عبادت یا نگهداری از کودکان تصویر شده‌اند؛ تنها دو مورد (درس دوم از *صدی الحیاة*، پیشرفته ۳) جنس مؤنث را در حال کار کردن نشان می‌دهد. در تصاویر زنان در حال

درست کردن گلدان‌های سفالی هستند که نیاز چندانی به تخصص یا آموزش عالی ندارد که نوعی تصویر کلیشه‌ای را در مورد جنس مؤنث بازتولید می‌کند. در حالی که در هر چهار جلد، مردان در طیف گسترده‌تری از فعالیت‌ها، اعم از درس خواندن، مدیریت، کار کردن در پالایشگاه نفت، اسب‌سواری، انجام امور مربوط به فناوری و ابررایانه‌ها، در حال قدم زدن، و مسافرت نشان داده شده‌اند. در جلد دوم از این مجموعه، در درس چهارم در نمایش تصویر کودکان، شاهد تصویری کاملاً کلیشه‌ای برای جنس مؤنث بودیم. دختران در حال تماشای تلویزیون بودند در حالی که پسران در حال کار با رایانه؛ این تصویر نگاه کلیشه‌ای به جنس مؤنث را نشان می‌دهد که جنس مذکر از همان کودکی آماده پذیرش کارهای تخصصی است، اما مکان مناسب برای جنس مؤنث خانه است و آنچه بهتر است در عصر اطلاعات انجام دهد، تماشای برنامه‌های تلویزیونی است. به طور کلی زنان در نقش‌های سنتی ظاهر شدند با تأکید بر ماندنشان در خانه، در حالی که آمارهای رسمی مراکز آمار ایران نشان می‌دهد که بخش زیادی از جمعیت ایران، زنانی‌اند که خارج از خانه در حال انجام فعالیت‌های متفاوت شغلی هستند. در هیچ‌یک از چهار جلد کتاب شاهد تصویر زن کارمند، معلم، ورزشکار، سیاسی یا حتی دانش‌آموز نبودیم. در عوض عبادت، نگهداری از کودکان و خرید کردن رابطه‌ای زنانه معرفی شده بود. نکته مهم و قابل توجه در این مجموعه چهار جلدی، معرفی مشاهیر علم و ادب و هنر به همراه تصاویرشان بود و تمامی آن‌ها مرد بودند؛ تصویر هیچ زن معروفی در کل این مجموعه چهار جلدی دیده نشد. در تمامی متون بررسی شده شاهد ذکر نام هیچ زن معروفی نبودیم؛ در حالی که علاوه بر معرفی مشاهیر مردانه، به طور اختصاصی، در بطن متن‌ها به مشاهیر دیگری اشاره شده بود که همگی مذکر بودند. اغلب این مردان معرفی شده، دارای قدرت، هوش و ذکاوت بودند. چهره‌های معروفی مثل: نیوتون، امیر کبیر، سعدی، انیشتین، دکتر حسابی، حافظ و کمال‌الملک، یعنی مشاهیر علمی، ادبی، سیاسی، نظامی، و هنری. به طور کلی آنچه از محتوای کیفی متن درس‌ها در این مجموعه به دست آمد این بود که مردان می‌توانند در تمام صحنه‌های اجتماعی و نیز در رأس قدرت سیاسی، علمی، ادبی، نظامی و حماسه‌سازی قرار گیرند؛ معرفی مشاهیری از این دست نیز گواه مستند بر این فکر است. آنان سرچشمه قدرت، در بیرون خانه و در هر صحنه اجتماعی، معرفی شده‌اند؛ اما مکان مناسب برای جنس مؤنث خانه و بازار است و تربیت کودکان، مراقبت از آنان و خرید کردن تنها کار مهم آنان است. در معرفی مشاهیر زن نیز بر نقش مادرانشان در تربیتشان

تأکید شده بود؛ گویا حضور زنان در جامعه چندان اهمیتی ندارد. در این مجموعه، زنان کمرنگ و ضعیف‌اند و به حمایت و دلسوزی و کمک نیاز دارند. مثلاً در جلد اول (درس هشتم) داستان دختر کبریت فروش ذکر شده که نیازمند کمک و حمایت است و در آخر داستان از سرما می‌میرد. اما قهرمان اکثر داستان‌های این کتاب‌ها، مردان قدرتمندی هستند که درس مهمی به مخاطب خود می‌دهند. به طور کلی، نتایج تحلیل کیفی نیز نشان داد که حضور زنان و مردان در این کتاب‌ها برابر نیست و زنان بسیار کمتر از مردان چه در تصاویر و چه در متن‌ها بازنمایی شده‌اند. زنان هویت شغلی و اجتماعی ندارند و به طور اختصاصی معرفی نشده‌اند. حضور آنان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، علمی و هنر ناپیدا است و مؤلفان این مجموعه هیچ اشاره‌ای به دستاوردهای زنان نداشته‌اند؛ بلکه به نقش مادری و همسری جنس مؤنث و تربیت و ماندن در خانه اهمیت بیشتری داده‌اند تا حضور در اجتماع و بر عهده گرفتن فعالیت‌های مهم.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه مورد نظر به بررسی بازتولید نقش‌های جنسیتی در متون و تصاویر مجموعه چهار جلدی از مرحله پیشرفته (المرحلة العالية) *صدی الحیاة* پرداخت. به همین منظور، نحوه بازنمایی هر دو جنس در این کتاب‌ها، به شکل کیفی در سه شاخص تصاویر، نقش‌های اجتماعی و شغلی و نقش‌های خانوادگی بررسی شد. کتاب‌ها، به عنوان یکی از ابزارهای اجرای سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره، کلیشه‌های جنسیتی را بازتولید می‌کنند. از آنجا که آن‌ها تحت نظارت دولت تدوین می‌شوند، دارای اعتبار بوده و ممکن است فراگیران و خوانندگان آن تصور کنند که محتوای آن‌ها آینه تمام‌نمایی از واقعیت‌های جامعه‌ای هستند که کتاب‌ها در آن‌ها تألیف شده‌اند، در حالی که گاهی نه تنها واقعیت را منعکس نمی‌کنند، بلکه تشدیدکننده کلیشه‌های جنسیتی هستند. پس از تجزیه و تحلیل کتاب، شاهد تبعیض جنسیتی و نابرابری در بازتولید نقش‌ها بودیم. به بیان دیگر، نتایج این پژوهش نمونه‌هایی از گفتمان مردسالار را نشان می‌داد که می‌تواند متضمن تقویت و ادامه مردسالاری و نظام مردسالاری در نظام اجتماعی - فرهنگی باشد. یافته‌ها حاکی از نگرش سنتی نسبت به جنس مؤنث است. جایگاه دو جنس نه در خانواده و نه در جامعه به درستی بازتولید نشده است. محتوای این چهار کتاب نسبت به تحولات و پیشرفت‌های زنان و حضورشان در عرصه‌های

مختلف بی تفاوت بوده است؛ چرا که زنان را در هیچ فعالیت مهم اجتماعی نمایش نداده است. علی‌رغم وجود زنان موفق و مهم در اکثر زمینه‌های اجتماعی ولی همچنان مردان به عنوان الگو معرفی می‌شوند و کلیشه‌های سنتی در این کتاب‌ها سایه افکننده است. اگرچه شاهد متن‌هایی بودیم که به جنس اهمیتی نداده بود و به طور کلی انسان را مورد خطاب قرار می‌دادند، ولی نمی‌توان نابرابری‌های موجود را هم نادیده گرفت. ضمن اینکه باید توجه داشت که برابری جنسیتی به معنای آن نیست که زن و مرد برابرند، بلکه ارزش یکسانی دارند و باید با آن‌ها رفتار مساوی شود؛ مثلاً در کنار معرفی مشاهیر مردانه، باید مشاهیر جنس مؤنث نیز ذکر شوند؛ زیرا برابری جنسیت یک حق اساسی برای بشر است و برابری جنسیت در هر زمینه‌ای موجب کاهش فقر، ارتقای سلامت، آموزش، محافظت، رفاه دختران و پسران می‌گردد (Saputra, 2019: 248). در حالی که در این چهار کتاب حوزه علم مردانه است و زنان حضور ندارند، در عرصه سیاسی و ملی فقط مردان نمایش داده می‌شوند، شخصیت‌های ادبی و هنری را مردان یدک می‌کشند. به طور کلی می‌توان گفت که تصاویر و متن‌های آورده شده در این کتاب‌ها خالی از کلیشه‌های جنسیتی نیست، بلکه در موارد زیادی به شکل ناعادلانه‌ای به بازنمایی هر دو جنس می‌پردازد. در این مجموعه دختران و پسران به عنوان یک انسان به یک اندازه توانمند نشان داده نشده‌اند. باید توجه داشت که بازتولید کلیشه‌ها منعکس‌کننده واقعیت‌های جامعه نیستند، بلکه باورهای مشترکی هستند که بازنمایی شده‌اند و از آنجا که ممکن است بر مخاطب خود تأثیر سوء بگذارند بهتر است در تدوین این کتاب‌ها هم در تصاویر و هم در متن‌ها بازنگری شود. در مقایسه با پژوهش‌های تحلیل بازنمایی جنسیتی در کشورهای دیگر، یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش آیت بوزید (Ait Bouzid, 2019) از نظر نابرابری بازتولید نقش‌ها و حضور هر دو جنس در کتاب‌ها همخوانی دارد. همچنین نتایج پژوهش حاضر، با نتایج پژوهش فرن دویان ساپوترا (Saputra, 2019) در یک راستا قرار دارد، زیرا نتایج این پژوهش نیز نشان داد که در بازنمایی هر دو جنس در تصاویر مردان سهم بیشتری داشتند و تعادلی در بازنمایی هر دو جنس مشاهده نشد. همچنین نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش مهران (۱۳۹۴)، محمدتقی‌نژاد و همکارانش (۱۳۹۴) و مرزوقی (۱۳۹۵) تقریباً در یک راستا قرار دارند و برخی از نتایجی که آن‌ها در پژوهش خود بدان اشاره کرده‌اند، نیز در این پژوهش یافت شد.

پیشنهادات

۱. تدوین کنندگان برنامه درسی و گروه تألیف باید در ویراست‌های بعدی مشکلات این کتاب را برطرف کنند تا آموزش با کیفیت بهتر و بالاتری صورت گیرد.
۲. بررسی نقش جنسیت در دیگر سطح‌های مجموعه *صدی الحیاة* صورت گیرد.
۳. مقایسه تطبیقی نقش جنسیت با کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی صورت گیرد.
۴. از آنجا که در دنیای واقعی و آنچه در ایران در حال رخ دادن است، این که زنان در تمامی عرصه‌های علم، ادب، هنر، سیاست و اقتصاد پا به پای مردان حضور فعال دارند، پس بهتر است در تدوین و چاپ جدید کتاب‌ها به این مسئله اهمیت داد یا این که به معلمان در این حوزه آگاهی داد تا در کلاس درس خود اشاره‌های نقادانه‌ای به بحث تعادل جنسیتی داشته باشند. همچنین می‌توان از زنان دعوت کرد تا در تدوین و تهیه کتب آموزشی پیش قدم شوند.

منابع

- حبیبی، حمدالله و ماریا فاطمی (۱۳۹۴). «نقش جنس و نقش‌های جنسیتی بر خودکارآمدی ریاضی»، *فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*، شماره ۳۳، ص ۱۱۵-۱۳۵.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر نی.
- سلطانی گرد فرامرزی، مهدی و محمد مهدی رحمتی (بی تا). «شیوه بازنمایی جنسیت در سینمای ایران»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ص ۷۹-۹۸.
- عبادی، سامان و بهمن ابراهیمی (۱۳۹۴). «بازنمایی جنسیت در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان»، *پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان*، شماره ۲، ص ۲۷-۴۶.
- علمی، محمود و سارا الیاسی (۱۳۸۸). «عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی (مطالعه موردی زنان شاغل همسر دار شهرستان سراب)»، *مطالعه جامعه‌شناسی*، شماره ۲، ص ۵۳-۷۵.
- علی صوفی، حلیمه، علی صوفی رامین و امین علی صوفی (بی تا). «بررسی انتقادی و مقایسه‌ای تبعیض جنسیتی در کتاب‌های علوم ابتدایی بر اساس الگوی میشل (۱۹۸۹)»، *مجموعه مقالات همایش ملی آموزش ابتدایی*، ص ۴۱۴-۴۲۵.
- فرقانی، محمد مهدی و محمد کمال ستاره (۱۳۹۴). «بازنمایی جنسیت در برنامه‌های تلویزیونی مقایسه مجموعه نوری کلاه قرمزی و انیمیشن شش امیر قهرمان»، *زن در فرهنگ و هنر*، شماره ۱، ص ۲۷-۴۸.
- فکری، مسعود و همکاران (۱۳۸۷). *صدی الحیاة*، تهران: کانون پژوهش فکری کودکان و نوجوانان.
- کاظمی نجف آبادی، سمیه (۱۳۹۵). «مآخذشناسی آموزش زبان عربی در ایران (مقالات و پایان‌نامه‌ها)»، *کتاب‌شناسی موضوعی*، شماره ۲۷، ص ۱۱۱-۱۲۲.

محمد تقی نژاد، رعنا، قاسمی، وحید و رضا علی نوروزی (۱۳۹۴). «تحلیل محتوای مقایسه‌ای تصاویر کتاب‌های درسی ایران و سوریه با تأکید بر نابرابری نقش‌های جنسیتی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۱، ص ۳۸-۱۷.

مرزوقی، رحمت‌الله (۱۳۹۵). «تحلیل محتوای کیفی کتاب‌های درسی دوره ابتدایی از منظر جهت‌گیری جنسیتی»، *زن در توسعه و سیاست*، شماره ۴، ص ۴۸۵-۴۶۹.

مهران، گلنار (۱۳۹۴). «بررسی نقش‌های کلیشه‌های جنسیتی کتاب‌های ادبیان فارسی و زبان فارسی سال اول دبیرستان در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر»، *فصلنامه نوآوری آموزشی*، شماره ۶۱، ص ۶۵-۴۳.

Ahmad, M. (2019). "A critical discourse analysis of gender representations in the content of 5 th grade english language Text book", *Hipatia Press*, No. 8, pp. 1-24.

Ahour, T. (2016). "A critical visual analysis of gender representation of ELT materials from a multimodal perspective", *The Journal of Applied Linguistics*, 99, pp. 78-98.

Ait Bouzid, H. (2019). "Gender issues in select moroccan EIT textbooks: A Review", *Research in English Language Pedagogy*, No 7, pp. 209-231.

Incikabi, L. & F. Ulusoy (2019). "Gender bias and stereotypes in australian, singaporean and turkish mathematics text books", *Turkish Journal of Education*, 8, pp. 298-317.

Porreca, K. (1984). "Sexism in current ESL textbooks", *TESOL Quarterly*, 18(4): 705-724.

Saputra, F. (2019). "Gender representation in EFL textbook, edukasi", *Journal Pendidikan*, No. 6, pp. 247-259.